متن سلسله مباحث اخلاقي آيت ا... صديقي

مورخ 3/8/1390

در ارتباط با مسئله اخلاص كه يك امر حياتي و سرنوشت ساز و به منزله روح و جان همه است. تمام اين عبادتها، مقدمات، شرايط و چهارچوبهايي دارد و همۀ اينها شكل قضيه است، هنگامي كه نماز مي‌خوانيم، با چه شرايطي بخوانيم، در چه وضعي بخوانيم و اركان آن چيست؟ و حتي انجام فرائض ديگر مثل حج، جهاد، اينها همه شكل و ظاهر قضيه است. روحي كه عمل به آن، زنده و اثر گذار مي‌شود. (اخلاص) است. اخلاص هم، تحصيلش بسيار مشكل است، بشر گرفتار تعلقات است و دل كندن از غير خدا، نديدن به غيرخدا، حساب باز نكردن به غيرخدا، آن هم براي كمتر كسي پيش مي‌آيد. كسي كه نماز مي‌خواند، همانطور كه درخلوت نماز مي‌‌خواند در بين مردم هم آنطور بخواند هر عملي مثل قنوت در نماز، سجده، قرائت، در خانه و در پيش زن و بچه‌ات مي‌خواني در بين يك انسان محترم در پيش مهمان هم همانطور بخوان، كارهائي كه انسان براي خدا مي‌خواهد انجام بدهد مانند احسان، انفاق همانطوري باشد كه در خلوت انجام مي‌دهد و در جمع هم همانطور باشد. تحصيل اين حالت و بود و نبود مردم در وضع او نبايد نقشي داشته باشد، خيلي سخت است، براي علماء اسلام بسيار سخت است. گفته‌اند مرحوم كني رحمت ا.. عليه مدتي نماز مي‌خوانده، امام جماعت بوده، امام جماعتي را ترك مي‌كند، از او سؤال مي‌كنند كه چرا نماز جماعت را ترك كردي، ايشان پاسخ داده بوده است كه كسي استخاره خواسته بود، و برگشتم كه جواب را بدهم، ديدم كه جمعيت زيادي پشت سرم نشسته اند، خوشم آمد اين همه جمعيت را كه ديدم، فهميدم كه يك بيماري در من هست، مطمئن نيستم امامتم براي خدا باشد، اگر انسان در محراب عبادت مشرك باشد، (ريا شرك خفي است) انسان نمازش را براي مردم بخواند، كار بسيار مشكلي است. براي تحصيل اخلاص هر چه آدم روان خودش را كاوش كند، سويداي قلبش را بدست بياورد كه كار را براي چه كسي كرده و چگونه كاركرديم و اگر بفهميم خيلي آدم زرنگي و زيركي هستيم، اگر انسان زرنگ و زيرك باشد كارش را ارزان از دست نمي‌‌دهد. (بَل تُوثرونَ الحيوه الدُنيا وَالاخَرِهُ خَيرٌ و اَبقي) انسان اگر همه كارهاي خويش را براي دنيا و مردم دنيا انجام بدهد روز قيامت كه مي‌شود باز هم فقير هست. آنجا باقي و ماندگار است، براي روز قيامت توشه نياز داريم و كار بسيار سختي است لذا بزرگان ما وحشت داشته‌اند، گريه‌ها مي‌كرده‌اند و نگران بودند كه عمرشان در ظاهر عبادت بوده ولي در واقع ريا بوده است. هميشه ملاحظه ديگران را مي‌كرده‌اند و عملي را براي خدا نيندوخته‌اند. براي اينكه تحصيل اخلاص كنيم بايد به عجز خودمان واقف بشويم و از خدا بخواهيم اخلاص در عمل به ما عنايت كند. جَذبه از آن طرف است، دل را او بايد ببرد، (هر آنچه ديده بيند دل كند ياد) انسان ملاحظات مسئول، فاميل، رفيق را مي‌كند و اين طبيعي است و ما هميشه ملاحظه آنها را مي‌كنيم نياز است گاهي خودمان را مَحَك بزنيم و ببينيم كارهائي كه در جمع مي‌كنيم و اگر اين جمع نباشد همين كارها را مي‌كنيم يا فرق مي‌كند. خلوتمان با جلوتمان فرق مي‌كند. تنهائي‌ها با حضور در جمع تفاوت دارد، اگر تفاوت دارد مطمئن باشيم كه وضعيت خيلي بد است اگر تفاوت هم نداشت باز اطمينان از اينكه آيا اين كار را صرفاً براي خدا انجام داده‌ام يا براي راضي كردن خود كردم و خواسته‌ام خودم را راضي كنم و حتي اين كار هم كار آساني نيست و انسان گرفتار خود راضي كردن نباشد، گرفتار عجب وغرور نباشد كه اين من هستم. به ابوحنيفه گفتند، مي‌گويند شما در شبانه‌روز پانصد ركعت نماز مي‌خواني گفت، نه نمي‌خوانم ولي چون مردم مي‌گويند بنا دارم بخوانم و خواند. كسي در مورد انسان يك مطلبي گفته و مي‌خواهم خودم را قهرمان كنم. حالا كه مردم مي‌گويند من اين كاره هستم. اين عمل خودش خالي از شرك نيست اين عمل كجايش اخلاص است، چون مي‌خواهم گفته ديگران را تأييد و تصديق كنم، انجام مي‌دهم اين كار كجايش براي رضاي خداست و حساب براي خدا باز نكرديم و براي ديگران بوده اين هم نوعي ضعف روحي است، ضعف رواني است و انسانهاي الهي توجهي به داوريهاي ديگران ندارند، هميشه حسابشان باخداست چه مردم راضي باشند چه نباشند، چه در مورد انسان زنده باد بگويند چه مرده باد بگويند فرقي برايشان ندارد طرفشان خداست و براي خدا كار مي‌كنند فارق از آن باشد كه ديگران در مورد او چه مي‌گويند. در اين راستا يك فرمولهائي قرآن كريم به ما داده است تا دلمان را خدا بپذيرد و اگر دل را خدا پذيرفت خدا انگيزه مي‌دهد. جمله‌اي در مورد حضرات ائمه معصومين(ع) در زيارت جامعه ائمه المؤمنين داريم، ما چند نوع جامعه داريم كه معروفترين آن جامعه كبيره است ما در جامعه كبيره ائمه (ع) مي‌گوئيم ( وَ بَذلتُم اَنفُسَكُم في مَرضاتِهَ وَ صَبَرَتُم عَلي ما اَصابَكُم ......) شما بذل كرديد خودتان را در راه خدا، شما به رضاي خلق هيچگاه چشم نداشتيد، نمي‌‌خواستيد مردم را راضي كنيد بلكه مي‌خواستيد خدا را راضي كنيد، جان خودتان را براي خدا هزينه و خرج كرديد ، براي مردم خرج نكرديد و چون عمرتان را براي كسب رضاي خدا خرج كرديد، ناگواريها را تحمل كرديد، گاهي مي‌شد مردم تماشا مي‌كردند و علي را دست بسته مي‌بردند، مردم تماشا مي‌كردند نه ، فقط تماشا نبود بلكه با فرياد تكبير هركس يا هر حربه‌اي با هر سلاحي كه مي‌توانستند امام حسين (ع) را زدند همان مردمي كه امام حسين (ع) را دعوت كردند و از مسلم استقبال كردند و با او نماز با شكوه خوانند هم مسلم را كشتند و هم امام حسين (ع) را كشتند، همانها كساني كه نماز مي‌‌خوانند، همان كساني كه دعوت كردند همانا امام حسين(ع) را كشتند، آنها مردم شام نبودند، بلكه مردم كوفه بودند. امام زين العابدين (ع) درباره امام حسين (ع) مي‌گويد: كُلٌ يَتَضَرَبُ الله بِسفكِ الدِمه) يك وقت است كسي يك نفر را مي‌كشد بعد قاتل پنهان مي‌شود ولي يك زماني كسي را مي‌كشد و قاتل اين كارش را عبادت مي‌داند. امام حسين (ع) را مجموعه‌اي كه دورش بودند به قصد قربت امام را مي‌زدند و اگر كسي شمشيرش نمي‌رسيد يك سنگي مي‌زد كه ثوابي برده باشد. ولي براي امام حسين(ع) فرقي نمي‌كرد. ايشان نيامده بود كه دورش را بگيرند و به او زنده‌باد بگويند امام حسين با آن حالشان مي‌گفت: ( اِلهي رِضا بقضائِك ) من راضي هستم هرگز از آمدنش پشيمان نبود اگر آمدنش براي غير خدا بود تا ديد مردم برگشتند پشيمان مي‌شد و مي‌گفت اي كاش نيامده بودم، اي كاش براي آنها وجود نداشت، هر كاري كه كردند با هر نتيجه‌اي كه برايشان پيش مي‌آمد راضي بودند، هرچه از دوست مي‌رسد نيكوست، اين كه هرچه از دوست مي‌رسد نيكوست اين اثر اخلاص است. كسي كه براي رضاي خدا كار نمي‌كند، كسي كه عادت جمع كردن مردم را به دور خودش دارد، كسي كه عادت مريدبازي را دارد وكسي كه عادت رأي جمع كردن را دارد وقتي به نتيجه نمي‌رسد ناراحت است چون رضاي خدا نبوده اگر براي خدا خرج كنيم چقدر قشنگ است: فرمولي كه خداوند متعال در قرآن دارد كه اگر انجام بدهيم، آن خداوند دل انسان را مي‌گيرد و تسخير مي‌كند. اين زيارت جامعه كبيره است. زيارت جامعه ائمه المؤمنين است كه بعد از آن زيارت عاليه المضامين است كه يك دنيا مطلب دارد كه از خدا چه بخواهد، براي دنيا و آخرت چه بخواهد و ائمه مطالب خاصي به ما آموزش داده‌اند ما يك چيزهايي از خدا مي‌‌خواهيم كه فايده‌اي براي ما ندارد آنها خواستني‌ها را به ما آموزش داده‌‌اند. در زيارت جامعه ائمه المؤمنين مي‌خوانيم ( وَلَكُم القُلوبِ اَلتي تَولَي الله رياضَتها بِالخُوفَ و اَلرَجاء) فرق دل شما با دل ما اين است كه دل ما رها است ولي دل شما متولي دارد شما دلتان را وقف خدا كرده‌ايد و توليّتش با خداست و دلتان در اختيار خداست، ما چه كنيم كه دلمان تحت توليت خدا بشود؟ (قُل اِنَ كُنتُم تُحِبُونَ الله فَتَبعون) تبعيت از دستورات اسلام همان تبعيت از پيغمبر اسلام است در بُعد اجرائيات كه (اَعبَدَ الناس مِن اَقامِ الفرائض)، يك سري دستوراتي را پيغمبر اكرم به ما داده و اموري را بر ما واجب كرده است اگر بخواهيد، مي‌توانيد مستحبات را انجام ندهيد، و اگر ‌بخواهيد عابدترين مردم باشيد نبايد واجبي را از دست داده و يك واجب تلف شده باشد، حساب مالي داشته باشيم، خمس بر ما واجب است و اجراي واجبات مالي اجراي واجبات بدني، واجبات نظامي، واجبات سياسي بر ما واجب وعبادت است.

اين اقامه فرائض در ابعاد مختلف بهترين و برترين نوع بندگي است كه انسان در وظايف خودش كم نگذارد و از طرفي وجود مبارك پيغمبر اكرم اموري را بر ما حرام كرده است، مقابله باحرام، مقابله با نفس اماره، غيبت امروز آفت است، آبروريزي امروز خيلي راحت است كسي حرمت كسي را نگه نمي‌دارد و هر چه به دهان انسان مي‌آيد مي‌گويد و اين خلاف امري است كه پيامبر فرموده است.

پيامبري كه خودش در اين جبهه جنگيده است، پيغمبر مجاهد بوده، پيغمبر شيطان خودش را تسليم كرده، پيغمبر خدا با رذائل مقابله كرده، با محرمات مقابله كرده و در اين جبهه هيچ غيبت نداشته و در خط مقدم بوده. سلمان صدقه‌اي آورد براي پيامبر و پيامبر قبول نكرد و رفت دفعه بعد هديه‌اي آورد و آنوقت پيامبر قبول كرد. حرام با زندگي پيامبر سازش ندارد اگر كسي تابع پيامبر است حرام در زندگي او نبايد باشد چه حرام كلامي، چه حرام نگاهي، چه حرام شنيدني، چه حرام خوردني، حرام درتضاد با وجود نازنين پيامبر اكرم بوده و با حرام جنگيده. اين شجاعت در مقابله با هواي نفس بايد به تبعيت از پيغمبر در زندگي ما ديده بشود.

با تقوي ترين انسانها كسي است كه از محرمات پرهيز بكند و بر هواي نفس غلبه بكند و در جبهه انجام فرائض غائب نباشد و اين سه جبهه را داشته باشد كه پيغمبر اين طور بود. اگر مي‌‌خواهيد خدا عاشق شما باشد بايد پيرو پيغمبر باشيد. پيغمبر در عبادت، در ترك محرمات و در مقابله با هواي نفس، در اين سه جبهه هيچ گاه غيبت نداشته و ما هم بايد پيرو پيغمبر باشيم.

در مسئله اخلاص هر چه توسل پيدا كنيم و هر چه دعا بكنيم ارزش دارد، بنابراين در مسئله اجراي دستورات پيغمبر هم در بُعد اثباتي ( اقامه فرائض) و هم در بُعد سلبي (ترك محرمات) و هم در مسئله مقابله با رذائل و با هواي نفس بايد مقابله كردا گر اين سه جبهه را جدي گرفتيم كسب محبوبيت مي‌كنيم و آن مسيري را كه پيامبر رفته ما هم برويم خداوند توجه خواهد كرد.

غَفَرا... لنا و لكم